

بسم الله الرحمن الرحيم

واکاوی مفهوم حکمرانی در پرتو کلمه «اطاعت» در قرآن کریم

سیدمجتبی امامی، مجتبی جوادی

چکیده

امروزه استفاده از مفهوم حکمرانی در میان دانشگاهیان و مجریان کشور فراگیر شده است؛ اما به طور معمول آنچه از آن مراد می شود، دچار خدشه است، به طوری که برخی آن را مساوی با مدیریت و اداره و ... می دانند یا آن را در حصار نسخه بانک جهانی؛ یعنی «حکمرانی خوب» فهم می کنند. مفهوم حکمرانی؛ در واقع به دنبال ساختن یکی از مهم ترین روابط موجود در هر جامعه؛ یعنی رابطه پیروی است. مختصات این رابطه، بنابر ارزش های هر جامعه تعیین می شود و معارف اسلامی مربوط به جامعه نیز؛ در صدد ایجاد روابط خاصی در نظام پیروی اجتماعی است. دنیای غرب با توجه به رویکردهای اومانیستی و مبتنی بر تدبیرهای دنیایی، به فراوانی در مورد نظام روابط پیروی یا همان نظریه های حکمرانی کار کرده است؛ ولی ادبیات اسلامی شاهد چنین کارهای جزئی در باب چگونگی حکمرانی نیست و بیشتر به تبیین ویژگی های حاکم اسلامی بسنده شده است. در این پژوهش، پس از مرور کلی نظریه های حکمرانی متعارف، به تحقیق موضوعی یکی از کلمات کلیدی قرآن کریم در زمینه روابط پیروی اسلامی؛ یعنی کلمه «اطاعت»، پرداخته شده است. نتایج تحقیق موضوعی نشانگر معارف عمیق قرآنی در باب چیستی، چرایی و چگونگی حکمرانی اسلامی است. لزوم توجه رابطه اطاعت با آگاهی و ایمان، توجه به اختیار انسان ها در حکمرانی، سطوح مختلف اطاعت، دائمی بودن نیاز به اطاعت در انسان و نقش ضروری تقوا در اطاعت؛ از جمله موارد برآمده از این تحقیق موضوعی برای ظهور نظریه حکمرانی اسلامی هستند.

کلیدواژه: رابطه پیروی، حکمرانی، حکمرانی اسلامی، اطاعت.

مقدمه و بیانیه مسئله

در هر قلمرو جغرافیایی، شیوه حکمرانی و در معنایی عام‌تر اداره حکومت از مهم‌ترین موضوعاتی است که اندیشمندان و نخبگان جامعه به آن می‌اندیشند. با وجود این وصف، مسئله حکمرانی در ایران از حیث نظری و عملی با مشکلاتی عجین است که ضرورت توجه به آن را دوچندان می‌سازد. امروزه واژه حکمرانی توسط برخی اندیشمندان و کارگزاران ایرانی به کار گرفته می‌شود. به‌کارگیری واژگان وارداتی نیازمند تأمل و بررسی‌های عمیق و دقیق فرهنگی است. آنچه در اغلب مقالات و محافل کارگزاران داخلی مطرح است، صرفاً حکمرانی را به نظریه بانک جهانی در باب «حکمرانی خوب» تقلیل داده است (سلیمی و همکاران، ۱۳۹۷ ه.ش). «حکمرانی خوب» به دنبال تحقق هنجارهای دهکده جهانی است و با هدف خاصی در کشورهای مختلف پیگیری می‌شود؛ ولی آیا نظریه‌های حکمرانی رایج صرفاً منحصر در حکمرانی خوب است؟ قطعاً این‌گونه نیست؛ ولی ادبیات ترجمه‌ای و وارداتی، عامدانه یا غیر عامدانه، میزان بسیار اندکی به سایر نظریات حکمرانی پرداخته است (به‌عنوان نمونه ببینید: حسینی تاش و همکاران، ۱۳۹۳ ه.ش؛ حیدری، ۱۳۹۵ ه.ش؛ سالار زهی و همکاران؛ شاه‌آبادی و همکاران، ۱۳۹۲ ه.ش؛ علی‌پور و همکاران، ۱۳۹۲ ه.ش؛ ناظمی اردکانی، ۱۳۹۱ ه.ش؛ یوسفی شیخ رباط و همکاران، ۱۳۹۴ ه.ش). از طرف دیگر، ما امروزه گریزی از مفاهیم حکمرانی نداریم. با توجه به ظهور رقیب‌ها و بازیگران متعدد در عرض دولت، حکومت نیازمند به‌کارگیری شیوه‌های جدیدی در چینش این بازیگران است و باید نظریه مختص به خودش را در حکمرانی ایجاد کند.

حکمرانی؛ در واقع به دنبال بازسازی یکی از مهم‌ترین روابط موجود در هر جامعه؛ یعنی «رابطه پیروی» است. به همین دلیل، اینکه چه کسی از چه کسی پیروی کند و ساختار این پیروی چگونه باشد یا چرایی پیروی از افراد خاص، اهمیت وافر می‌یابد. هر حکومت و جامعه‌ای که به دنبال ساخت تمدن پایدار و ایجاد نظم خاص مبتنی بر ارزش‌های خویش است، ناگزیر از ساخت و اعمال اقتدار روی تعدادی از بازیگران نامتجانس اجتماعی است. چینش بازیگران و تعیین نسبت و روابط آن‌ها برای اعمال اقتدار، در ادبیات دنیای غرب با مفهوم «حکمرانی» شناخته می‌شود (گلیسر، ۲۰۱۲ م: ۳۵۸).

یکی از خلاءهای جدی برای تحقق کامل انقلاب اسلامی، عدم تسری نظام ولایت فقیه در عرصه‌های مختلف اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و ... است؛ به عبارت دیگر با تحقق انقلاب در سال ۱۳۵۷ هجری شمسی، نظام اسلامی تحقق یافته است؛ ولی هنوز دولت اسلامی ظهور نکرده است (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۰ ه.ش). برای تحقق دولت اسلامی نیازمند تبیین دقیق الگوی پیروی اسلامی و نحوه چینش بازیگران در جمهوری اسلامی هستیم. اگرچه پژوهش‌هایی در باب حکمرانی اسلامی شکل گرفته است؛ ولی بیشتر به ویژگی‌های شخصی حکمران پرداخته‌اند و صرفاً مقدار اندکی به چگونگی سازوکارهای حکمرانی توجه کرده‌اند. حکمرانی صرفاً برخورد بالا به پایین و سلسله‌مراتبی با انسان‌ها نیست، بلکه گونه‌های مختلف دیگری اعم از بازاری و شبکه‌ای نیز، دارد. آنچه در ادبیات اسلامی و به‌خصوص قرآن آمده است، حاکی از یک نظام انسانی پیروی در جامعه است. این نظام پیروی را می‌توان در پرتو مفاهیمی؛ همچون اطاعت، تبعیت و ولایت در قرآن کریم پیگیری کرد.

در پژوهش حاضر سعی شده است جلوه‌هایی از مفهوم حکمرانی اسلامی در پرتو واژه «اطاعت» در قرآن کریم ارائه شود. برای ورود دقیق‌تر به معارف قرآن کریم، لازم بود مفهوم رایج حکمرانی بررسی شود؛ بنابراین در ادامه به چیستی، چرایی و چگونگی حکمرانی پرداخته می‌شود و پس از تبیین آن، کلیدواژه «اطاعت» به‌صورت موضوعی در قرآن بررسی شده و تدبرهای مستخرج در قالب نکات تدبری برای ارائه چارچوب حکمرانی اسلامی بیان شده‌اند.

چیستی، چرایی و چگونگی حکمرانی

یکی از ملزومات ورود به فهم موضوعی قرآن کریم، تدقیق موضوعات و سؤالات مدنظر است. به همین دلیل، برای ارائه چارچوب نظری حکمرانی، می‌توان از سه سؤال چیستی، چرایی و چگونگی آن بهره جست که در ادامه به آن پرداخته می‌شود. در بخش چیستی، سعی شده است به تعاریف و معانی مختلف حکمرانی و تعریف مختار پرداخته شود. در بخش چرایی حکمرانی، ریشه‌های نظری و خردمایه حکمرانی برای هر جامعه بحث شده و در نهایت با طرح موضوع چگونگی حکمرانی، به گونه‌های ایده‌آل و ترکیب آن‌ها و تفاوت آن‌ها پرداخته خواهد شد.

تعریف حکمرانی: چیستی

در نظر جان پیپر و گای پترز، حکمرانی به معنای «هدایت جامعه» است. هرچند به نظر می‌رسد که حکمرانی مترادف با حکومت است، هر دو کاربرد ممکن است تا جایی گسترش یابند که دربرگیرنده سیاست به معنای عمومی و نهادهای غیر دولتی که منافع عمومی را تأمین می‌کنند، نیز باشند (جان پیپر و همکارش، ۲۰۰۰ م؛ لین، ۲۰۱۰ م: ۶). امروزه، «حکمرانی»، نه تنها در میان متخصصان و پژوهشگران اداره امور عمومی و مدیریت دولتی، بلکه در میان گروه زیادی از متخصصان، به یک واژه محبوب و باب گفتگوهای روز ۱ تبدیل شده و به عنوان پارادایم اخیر نظریه‌های اداره امور عمومی مورد بحث است (هنری، ۲۰۰۷ م: ۴۹-۲۶؛ میولمن، ۲۰۰۸ م: ۹). به همین علت، دانشجویان مدیریت دولتی با تنوعی در حال گسترش و اغلب گیج‌کننده از معانی و کاربردهای عبارت حکمرانی مواجه شده‌اند که همچنان به‌طور عمومی توسط روزنامه‌نگاران، سیاست‌گذاران و دانشمندان استفاده می‌شود (لین، ۲۰۱۰ م: ۲).

«حکمرانی کردن» ۲ در لغت، به معنای هدایت کردن ۳، راهنمایی کردن ۴، حاکمیت کردن ۵ و یا راهبری کردن ۶ می‌باشد. نهادهایی را که حکمرانی می‌کنند، می‌توان حکومت ۷ نامید. در طی عمل یا فرایند «حکمرانی»، هنگامی

۱. عبارت استفاده‌شده در کتاب مورد نظر این می‌باشد:

Oxford English Dictionary buzzword و Governance has become

منظور از Buzzword در لغتنامه‌های Merriam-Webster این می‌باشد: واژه (Buzzwords)، به هر لغت یا اصطلاحی گفته می‌شود که برای یک دوره از زمان در بین کاربران خیلی محبوب و رایج می‌شود این واژگان، به‌طور عمده از اصطلاحات فنی، مشتق می‌شوند؛ اما معنای فنی‌شان کم‌رنگ می‌شود و به دلیل کثرت استفاده، قابل درک و دارای کاربرد می‌شود؛ گاه ممکن است معنای فنی خود را هم حفظ کنند.

۲. Govern.

که شخصی، اعمال حاکمیت می‌کند، یا تحت حاکمیت است، شخص مذکور، دخیل یا موضوع آن است (لین، ۲۰۱۰ م: ۱). پس به نوعی در لغت، حکمرانی به معنای اعمال حاکمیت فردی بر فردی دیگر است. در کاربرد رایج امروزه، حکمرانی به این مهم اشاره دارد که چگونه کنشگران -چه موجودیت‌های چندملیتی، چه دولت‌ها، نمایندگی‌های دولتی، بنگاه‌های خصوصی، گروه‌های اجتماعی و سیاسی، افراد بی‌طرف^۸ و یا ترکیب همه این‌ها- «حکمرانی» و راهبری می‌شوند یا برای مثال در رسیدن به اهداف مشترکی که مورد توافق جمع هستند یا مشترک هستند، چگونه هدایت و راهنمایی می‌شوند (لین، ۲۰۱۰ م: ۱).

در ابتدای دهه ۱۹۹۰ میلادی، به‌طور کامل معانی جدیدی مرتبط با واژه حکمرانی در اداره امور عمومی ایجاد شد. حکمرانی، معنی جدیدی پیدا کرد و برای مثال، به نوعی از ارائه خدمات عمومی، اطلاق شد که فراتر از اراده دولت است. این معنای حکمرانی، نه فقط نظام قانون‌گذاری برای بخش عمومی و خصوصی است، بلکه ترتیباتی است که به‌موجب آن، پاسخگویی در قبال منافع جمعی بر عهده نهادهای جامعه مدنی؛ مانند سازمان‌های غیر دولتی-غیر انتفاعی، یا دیگر کنشگرانی که تأسیس شده‌اند؛ برای مثال، خارج از بخش عمومی مشروعیت یافته‌اند، قرار داده می‌شود. به‌طور هم‌زمان، در میان نهادهای مرتبط با کشورهای در حال توسعه و سازمان‌های در حال ظهوری؛ مانند بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول، حکمرانی به‌طور فزاینده‌ای به معنای «حکمرانی خوب» اشاره می‌کند که نوعی حکمرانی است که در آن معیارهای خاصی برای سنجش کفایت حکمرانی؛ مانند شفافیت، اثربخشی، صداقت و شمول به کار می‌رود (لین، ۲۰۱۰ م: ۲).

در میان بسیاری از این تعاریف جدید، هر تعریف به‌نوبه خود بر پژوهش و کاربردی دلالت می‌کند که به‌شدت توسط طرفداران آن تعریف، به‌عنوان مناسب‌ترین معنی «حکمرانی» در نظر گرفته می‌شود. حکمرانی در ادبیات اداره امور عمومی تعاریف و طبقه‌های تعریفی مختلفی داشته است. طبقه‌بندی‌ها به شرح زیر است:

-
- ۳. Direct
 - ۴. Guide
 - ۵. Govern rule
 - ۶. Steer
 - ۷. Government
 - ۸. Natural Persons

حکمرانی، یک اصطلاح عمومی برای «حاکمیت نظم‌یافته»^۹ هر موجودیتی است که هدف آن، رسیدن به هدف مشترک بین افراد یا سازمان‌های تحت تأثیر خود است.

حکمرانی به لحاظ لغوی مترادف واژه «حکومت»^{۱۰} است و با در نظر گرفتن نقش آن در هدایت و اداره جامعه؛ یعنی بخش عمومی، مترادف واژه حکومت است.

حکمرانی به‌عنوان مترادف «حکمرانی خوب»^{۱۱} یا «حکمرانی اثربخش»، با و توسط اقتدار نهادهای تأسیس‌شده به‌موجب قانون اساسی در نظر گرفته می‌شود.

«حکمرانی به علاوه حکومت»^{۱۲} یک مفهوم اضافه‌شده برای حکومت است؛ به این معنا که حکمرانی یک مدل در حال ظهور اداره جامعه است که در آن هدایت تخصیص منابع و ارائه خدمات، توسط نهادهای جامعه مدنی با مجوز یا بدون مجوز و نفوذ «حکومت» صورت می‌پذیرد.

و «حکمرانی؛ نفی حکومت»^{۱۳}؛ یعنی محتواها و زمینه‌هایی که در آن، حکومت با شبکه‌های غیر متمرکز، مشارکت و بازار، جابه‌جا شده است یا می‌شود (برای مثال حکمرانی مبتنی بر مصرف‌کننده) که در این صورت اقتدار تحمیل‌شده از طرف دولت‌ها، دیگر موضوعیت ندارد (لین، ۲۰۱۰ م: ۳؛ کراهمان، ۲۰۰۳ م: ۳۲۳).

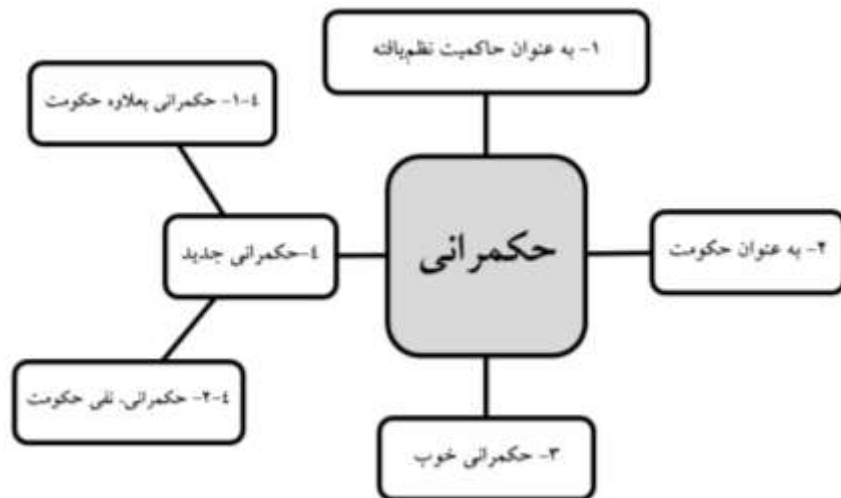
۹. Ordered Rule.

۱۰. Government.

۱۱. Good Governance.

۱۲. Government Beyond.

۱۳. Not Government.



نمودار ۱. گستره مطالعات حکمرانی (لین، ۲۰۱۰)

ریشه‌های نظری حکمرانی: چرایی

برای بیان خردمایه مفهوم حکمرانی لازم است به کارهای ماکس وبر در زمینه پایداری حکومت‌ها و آزمایش میلگرام اشاره شود. وبر بر اساس یک نگاه توصیفی-تاریخی و میلگرام بر اساس یک نگاه پراگماتیستی از مهم‌ترین ریشه‌های نظری حکمرانی و نظام روابط پیروی در جامعه هستند. با فهم این دو ریشه نظری می‌توان آبخشور نظریه‌های حکمرانی در غرب را پیگیری نموده و عمق آن مفهوم را به درستی شناخت.

وبر، نظریه‌پرداز بوروکراسی است؛ ولی دغدغه اصلی وی چه بود که به این نظریه رسید؟ او مسئله اصلی خودش را پایداری حکومت‌ها می‌داند. او برای تشریح این مسئله، بررسی‌های خودش را در مفهوم سلطه یا اقتدار متمرکز می‌کند. از نظر او هیچ جامعه و تمدنی بدون وجود روابط اقتدار یا سلطه، امکان تداوم ندارد. وبر بر اساس مطالعات تاریخی و میدانی خود، سه نوع اقتدار را کشف می‌کند: اقتدار سنتی، اقتدار کاریزماتیک و اقتدار عقلایی-قانونی که به دستگاه اداری بوروکراسی منجر می‌شود. در هر یک از گونه‌های اقتدار، نوع خاصی از روابط حاکم و محکوم برقرار بوده است؛ ولی در همه آن‌ها یک امر مشترک بوده و آن عبارت است از اینکه: حاکم، حق خودش می‌داند که پیروی شود و محکوم، وظیفه خودش می‌داند که پیروی کند و با رد کردن اقتدار سنتی و کاریزماتیک، برای پایداری حکومت‌ها، اقتدار عقلایی-قانونی و دستگاه اداری بوروکراتیک را تجویز می‌کند که بعدها به‌عنوان گونه حکمرانی سلسله‌مراتبی شناخته می‌شود؛ بنابراین مسئله اصلی وبر که سرمنشأ

پیدایش نظریه‌های حکمرانی شده است، پایداری روابط اقتدار در جامعه بوده است (واترز، ۲۰۱۵ م؛ موزلیس، ۲۰۰۸ م).

از طرف دیگر و حدود ۵۰ سال بعد از وبر با پدیده آزمایش میلگرام مواجه هستیم. استنلی میلگرام نتایج آزمایش مشهور خود را در کتابی با عنوان «اطاعت از اتوریت» بیان کرده است (میلگرام، ۲۰۱۰ م). آزمایش میلگرام درصدد بیان ریشه‌های روانی پیروی بود و نشان داد که اکثر مردم به دنبال پیروی کردن هستند. بر اساس آزمایش او انسان‌ها (حتی در برخی امور خلاف میل باطنی خودشان) به‌طور معمول از مراجع صاحب اقتدار پیروی می‌کنند. اگرچه ممکن است ریشه‌های مختلف و خردمایه‌های دیگری برای ضرورت و چرایی حکمرانی در جامعه اشاره کرد؛ ولی با توجه به هدف این پژوهش، بیان همین دو برداشت از نگاه وبر و میلگرام به خوبی نشانگر ضرورت است.

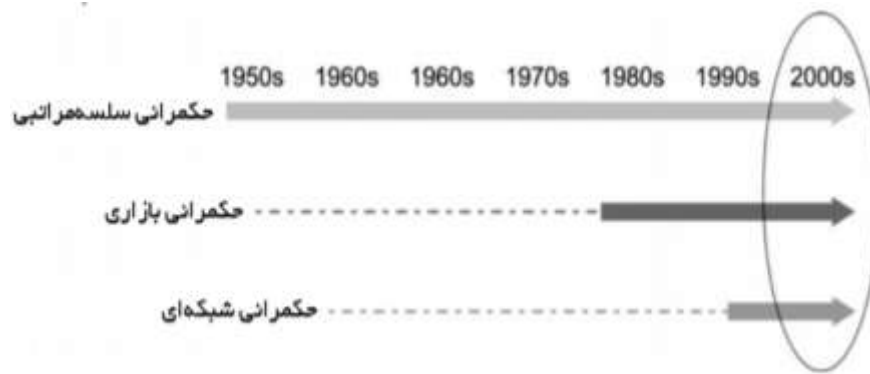
هیچ جمعی بدون رابطه تبعیت و جریان پیروی وجود نداشته و نخواهد داشت و این بدیهی است. دعوای اصلی صاحب‌نظران غربی در چگونگی ایجاد این رابطه تبعیت در جامعه بوده؛ ولی در ادبیات اسلامی بیشتر بحث‌ها به سمت ویژگی‌های حاکم و حکمران رفته است. اگر هر یک از تعاریف حکمرانی را بررسی کنیم، می‌توانیم با پیگیری ریشه‌های آن‌ها به این خردمایه دست یابیم که گویا گریزی از مفهوم حکمرانی نداریم. در ادامه به چگونگی حکمرانی در ادبیات رایج می‌پردازیم.

گونه‌های ایده‌آل حکمرانی: چگونگی

بررسی مطالعات مربوط به حکمرانی بیانگر آن است که شکل عام و کلاسیک حکمرانی، شامل سه‌گونه سلسله-مراتبی، بازاری و شبکه‌ای است، البته برخی نویسندگان، گونه چهارمی را تحت عناوین مختلف؛ همانند (اجتماعات ۱۴، هم‌بستگی ۱۵ و ...) به آن اضافه می‌کنند (کاپانو و همکاران، ۲۰۱۵ م: ۲۳۹). توسعه سبک‌های حکمرانی در طول تاریخ دارای فرازونشیب‌هایی بوده است و می‌توان آن را در قالب جدول زمانی به شکل زیر نشان داد.

۱۴. Communities.

۱۵. Solidarity.

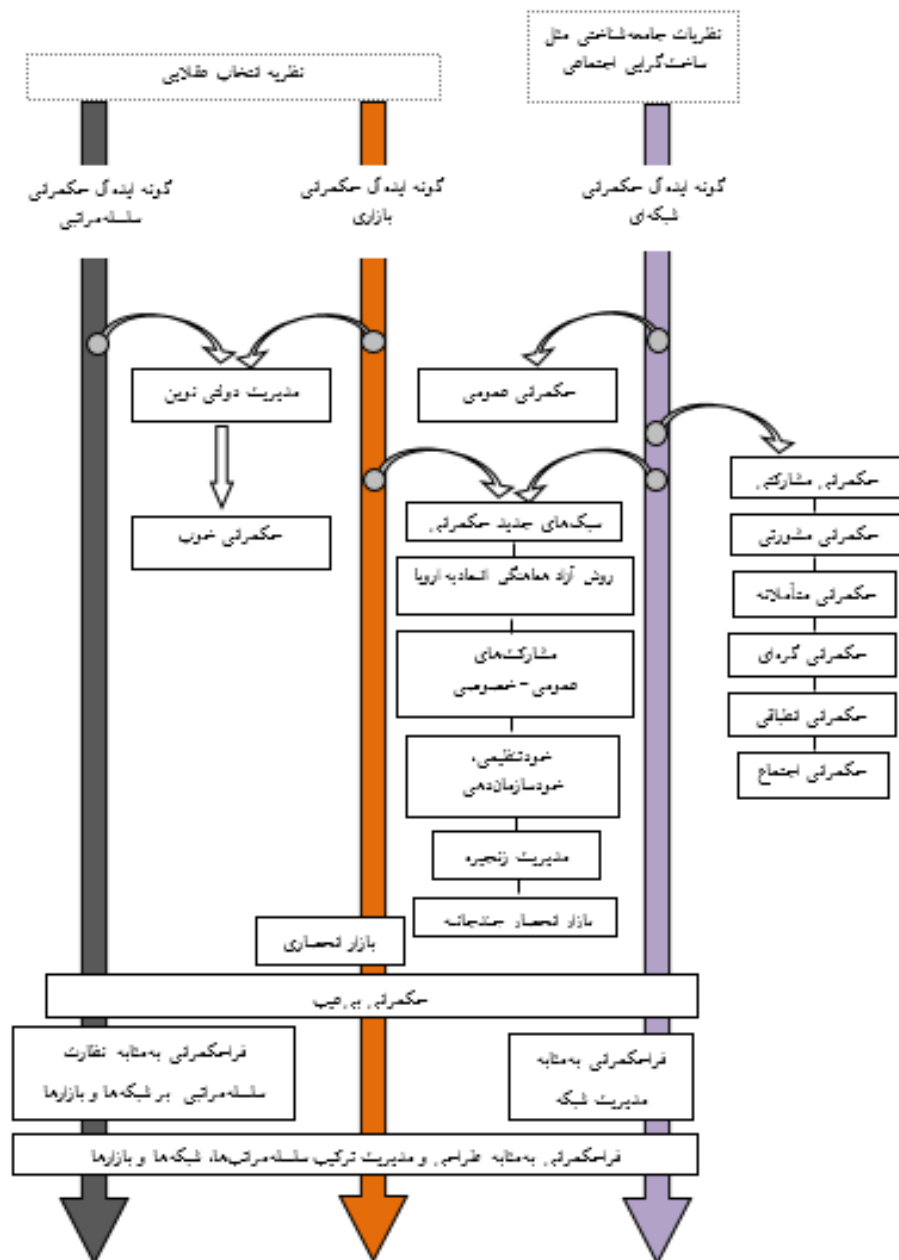


نمودار ۱. توسعه سه سبک حکمرانی در کشورهای اروپای غربی (میولمن، ۲۰۰۸: ۴۳)

سبک سلسله‌مراتبی بوروکراتیک به شرایطی اشاره دارد که در آن تصمیمات به صورت مرکزی اتخاذ شده و سپس در ساختار سلسله‌مراتبی به سطوح پایین‌تر منتقل می‌شود و ارتباطات بین سطوح به طور کامل به صورت رسمی و بالا به پایین تعریف شده است. سبک شبکه‌ای به شرایطی اطلاق می‌شود که در آن کنشگران در سطحی برابر با یکدیگر در راستای پرداختن به موضوعی خاص به تعامل می‌پردازند و موضوعاتی؛ مثل اعتماد، وابستگی متقابل، کثرت‌گرایی و همکاری در آن پررنگ است. سبک بازاری نیز، به شرایطی اشاره دارد که در آن اقتصاد و افزایش کارایی نقشی اساسی در تعیین تعاملات و روابط بین کنشگران دارد و موضوعاتی؛ مثل رقابت و قیمت در آن بسیار مهم هستند.

سبک همبستگی هم گاهی به عنوان گونه چهارم مطرح می‌شود و مثال نوعی آن عشق و محبت است که حاکم و محکوم مثل رابطه عاشق و معشوق در همدیگر فانی می‌شوند (جسوپ، ۲۰۰۲ م). حال به صورت تفصیلی‌تر و با طرح مؤلفه‌هایی اصلی، به مقایسه چهار سبک حکمرانی می‌پردازیم.

لازم به ذکر است که هیچ‌گاه این گونه‌های حکمرانی به صورت عنصری واحد در عالم واقع حاضر نیستند، بلکه همیشه ترکیبی از آن‌ها تحقق واقعی دارد. این ترکیب ممکن است گونه جدید ترکیبی ترتیب داده باشد یا ممکن است جمع بین دو یا چندگونه حکمرانی باشد. به جریان ترکیب گونه‌های حکمرانی و تجویز آن برای عرصه-های مختلف اجتماعی فراحکمرانی گفته می‌شود. گونه‌های مختلف حکمرانی، ترکیب‌های آن‌ها و الگوهای فراحکمرانی را می‌توان به شکل زیر نشان داد (میولمن، ۲۰۰۸ م).



تحقیق موضوعی «اطاعت» در قرآن کریم

قبل از آغاز تشریح گام‌های تحقیق موضوعی باید ضرورت و امکان آن را اثبات کرد و در این زمینه صرفاً به سلوک بزرگانی؛ همچون علامه طباطبائی، شهید صدر و شهید مطهری بسنده شده است. ایشان به صراحت تحقیقات موضوعی در قرآن را پذیرفته و در عمل نیز، آن را نشان داده‌اند که یک مورد بسیار واضح آن کار شهید مطهری در باب جامعه و تاریخ است. گام‌های یک تدبر موضوعی در قرآن کریم به شرح زیر است:

الف) گزینش و تبیین موضوع

پس از بررسی چیستی، چرایی و چگونگی حکمرانی در ادبیات متعارف و ناظر به مسائل داخلی کشور، برخی سؤالات برای استنتاج قرآن و کسب پاسخ‌ها مطرح شد. در ادامه این سؤالات طرح شده و به‌طور مختصر، گام-های تحقیق موضوعی مطرح می‌شوند.

چگونگی پیروی به‌صورت توصیفی و نه تجویزی؟

چه ویژگی‌هایی در طرف مقابل باشد تا مورد پیروی واقع شود؟

نقش نیازها و گرایش‌ها در پیروی چیست؟

نقش جامعه و محیط در پیروی چیست؟

نقش تعامل و ارتباط (نوع، شدت، میزان و ...) در پیروی چیست؟

نقش ادراک و آگاهی، ارزش‌گذاری و اراده در پیروی چیست؟

پیروی ناآگاهانه در اسلام وجود دارد یا خیر؟ مطلوب است یا خیر؟

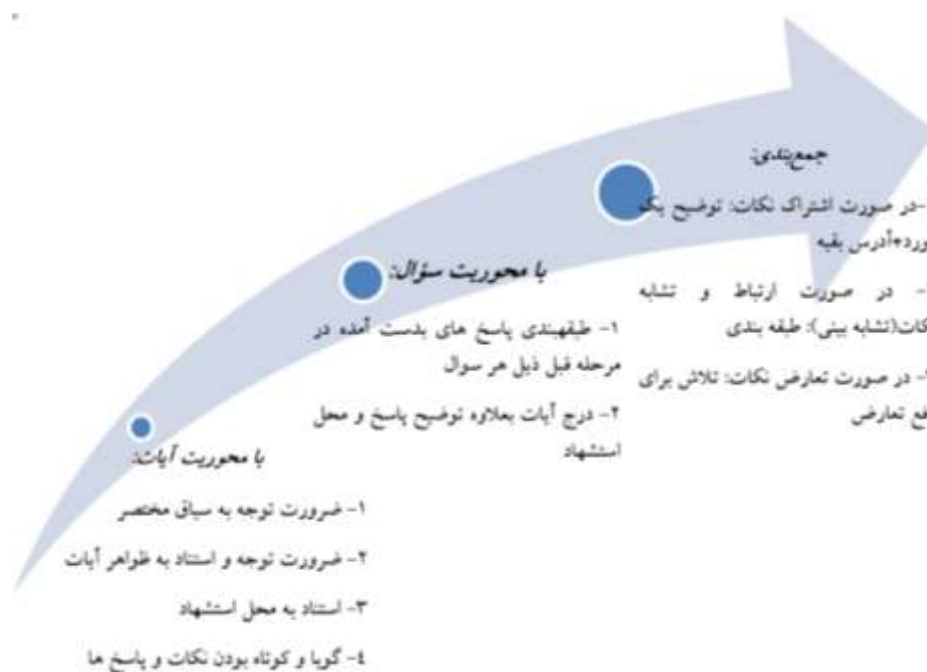
بر اساس آن‌ها بررسی موضوعی و سؤالات بالا کلیدواژه‌ها برای ورود به زبان قرآن انتخاب شد. در این پژوهش از کلیدواژه «اطاعت» استفاده شده است.

ب) جستجوی آیات

در این مرحله بر اساس تبیین موضوع مدنظر و سؤالات تدبری، آیات مرتبط استخراج می‌شوند. در پژوهش حاضر بر اساس موضوع حکمرانی و سؤالات مطرح‌شده، آیاتی که دارای ریشه «طوع» بودند جستجو و تفکیک شدند. برخی از آیات منطبق بر سؤالات پژوهش نبوده و از دایره پژوهش خارج شدند. گزارش بررسی این آیات در بخش بعدی خواهد آمد.

ج) فهم:

در این مرحله برای یافتن پاسخ سؤالات کوشش شده است. این فهم و پاسخ‌یابی باید به سه صورت و مراحل زیر انجام شوند که در ادامه و بخش بعدی شاهد اتفاق آن در مورد کلمه «طوع» خواهیم بود.



د) تدوین و نگارش:

یکی از مراحل تدبر موضوعی، تدوین و نگارش آن برای ارائه در مجامع علمی است. توجه به سیر منطقی ارائه خروجی‌ها، یکی از نکات ضروری در این مرحله است. خروجی نهایی تدبر موضوعی در قرآن باید دارای یک سیر منطقی بوده و مثل یک مقاله علمی، دارای مقدمه و بیان مسئله و ... باشد. لازم است که پژوهشگر در هر بحث به سؤال اصلی و اهمیت آن و چگونگی رسیدن به سؤالات و چرایی آن‌ها اشاره کند. پاسخ‌ها به سؤالات

تدبری باید به صورت کاملاً دقیق توضیح داده شده و استشادهای قرآنی در میانه توضیح این پاسخها به کار گرفته شود. بخش ج و د از مراحل تدبر و تحقیق موضوعی در قرآن کریم در مورد کلمه «طوع» در ادامه خواهند آمد و با بیان نکات تدبری با محوریت آیات سؤالها، به جمع‌بندی و نتیجه‌گیری پرداخته شده است.

نکات مستخرج از تدبر در آیات دارای ریشه «طوع»

با جستجوی ریشه «طوع» در قرآن، مشخص شده که ۱۱۸ بار و در ۴۷ ترکیب مختلف (۲۵ بار ترکیب أطاع، ۱۶ بار ترکیب استطاعت، ۳ بار در ترکیب تطوع، ۳ بار هم در ترکیب طوع و طاعت و طائع) آمده است. برای فهم دقیق آیات، آنها به صورت آیه‌ای و سیاقی مورد مطالعه و بررسی اولیه قرار گرفتند و آیات مرتبط با پژوهش حاضر، در یک دسته‌بندی اولیه جایابی شدند که از قرار زیر است:

-آیات مربوط به پیروی از حق؛

-پیروی انسان از خدا؛

-پیروی انسان از رسولان الهی؛

-پیروی انسان از مؤمنین؛

-آیات مربوط به پیروی از باطل؛

-پیروی انسان از شیطان و هوای نفس؛

-پیروی انسان از طاغوت و ائمه کفر؛

-پیروی انسان از بدکاران.

نکات مستخرج با محوریت آیات و بر اساس ترتیب فوق از قرار زیر هستند. البته ممکن است با بیان یک نکته آیات در دسته‌های مختلف بالا به یکدیگر متصل بشوند و این مانعی ندارد؛ چون دسته‌بندی فوق به‌طور کامل اولیه بوده و نکات مستخرج از کلیت این آیات گرفته شده است.

الف) اطاعت با آگاهی رابطه وثیقی دارد

یکی از جنبه‌های مهم اطاعت، آگاهی فرد مطیع است. همنشینی دو کلمه شنیدن و اطاعت (سمعنا و أطعنا) در چهار آیه مختلف ۱۶ نشانگر جایگاه آگاهی در اطاعت است. شنیدن، یکی از مهم‌ترین جنبه‌های آگاهی انسان است به‌طوری که در آیات مختلف قرآن از شنیدن به‌مثابه استعاره‌ای برای آگاهی استفاده شده است ۱۷. از این رو می‌توان فهمید که اگر از پرتو اطاعت، به مفهوم حکمرانی بنگریم، مسئله آگاهی بسیار مهم خواهد بود. حکمران نمی‌تواند با سازوکارهای اغفال و ... راهبری کند. اطاعت یکی از جلوه‌های عینی و ملموس رفتار است پس بنابراین آگاهی در آن بسیار پررنگ است و شخص مطیع و مطاع هر کدام به اطاعت شدن یا اطاعت کردن خودشان آگاه هستند. در آیه ۴۶ سوره مبارکه نساء در مقابل واژه «سمعنا و أطعنا» واژه «سمعنا و عصینا» آمده است که از آن فهمیده می‌شود عصیان هم در این سطح و در مقابل اطاعت به‌صورت آگاهانه شکل می‌گیرد. البته طبق آیات ۲۰ تا ۲۲ سوره مبارکه انفال، می‌توان آگاهی را به دو نوع آگاهی کاذب و آگاهی صادق تقسیم کرد «وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ قَالُوا سَمِعْنَا وَهُمْ لَا يَسْمَعُونَ ﴿٢١﴾ إِنَّ شَرَّ الدَّوَابِّ عِنْدَ اللَّهِ الصُّمُّ الْبُكْمُ الَّذِينَ لَا يَعْقِلُونَ ﴿٢٢﴾». آگاهی کاذب در اصل ادعای وهمی آگاهی است و فایده‌ای ندارد و آنچه موجب تعقل و آگاهی می‌شود، آگاهی صادق و حقیقی است.

ب) اطاعت و ایمان قرین همدیگر هستند

۱۶. آیه ۲۸۵ سوره مبارکه بقره، آیه ۴۶ سوره مبارکه نساء، آیه ۷ سوره مبارکه مائده و آیه ۵۱ سوره مبارکه نور.

۱۷. به عنوان مثال آیات ۲۰ تا ۲۲ سوره مبارکه انفال.

در زبان قرآن، رابطه ایمان و اطاعت بسیار وثیق است و گاهی مساوی همدیگر شمرده شده‌اند. ایمان و اطاعت اصلاً جدای از همدیگر نیستند و کسی که مؤمن است به‌طور حتم اطاعت می‌کند و کسی که اطاعت می‌کند به‌طور حتم مؤمن است، البته متعلق ایمان و اطاعت می‌تواند متغیر باشد. با توجه به آیه ۵۱ یا ۴۷ سوره مبارکه نور ۱۸ این نکته فهم می‌شود که صرفاً مؤمنین به خدا از او اطاعت کرده‌اند و کسانی که اطاعت نمی‌کنند در حقیقت ایمان نیاورده‌اند؛ یعنی ایمان و اطاعت دو روی یک سکه هستند. در آیه ۲۸۵ سوره مبارکه بقره «أَمَّنَ الرَّسُولُ بِمَا أُنزِلَ إِلَيْهِ مِنْ رَبِّهِ وَالْمُؤْمِنُونَ كُلٌّ آمَنَ بِاللَّهِ وَمَلَائِكَتِهِ وَكُتُبِهِ وَرُسُلِهِ لَا نُفَرِّقُ بَيْنَ أَحَدٍ مِنْ رُسُلِهِ وَقَالُوا سَمِعْنَا وَأَطَعْنَا غُفْرَانَكَ رَبَّنَا وَإِلَيْكَ الْمَصِيرُ» (البقره: ۲۸۵) دیده می‌شود که ایمان به خدا و فرشتگان و پیامبران و کتب الهی در گفتن کلمه «سمعنا و اطعنا» ظهور یافته است؛ یعنی ایمان مساوی اطاعت و جلوه تام و تمام آن است. در بررسی آیات ۱۹ این نکته به وضوح روشن است که عصیان (در مقابل اطاعت) هم‌ارز با کفر و عدم ایمان شناخته شده است، می‌توان اطاعت را نیز، هم‌ارز ایمان دانست. یکی دیگر از آیاتی که به صراحت رابطه هم‌ارزی ایمان و اطاعت را می‌رساند، آیه ۵۹ سوره مبارکه نساء ۲۰ است. در این آیه ایمان به خدا و روز قیامت را منوط به رد مشاجرات به پیامبر و اطاعت از او دانسته است و کسی که این کار را انجام ندهد از جرگه مؤمنین خارج خواهد شد. رابطه هم‌ارزی اطاعت و ایمان در سایر آیات ۲۱ نیز، مورد اشاره واقع شده است.

بر اساس آنچه از آیات فهمیده می‌شود، رابطه اطاعت در قرآن، منوط به رابطه ایمانی انسان‌هاست. اگر جامعه‌ای در نظام حکمرانی خویش به دنبال ایجاد رابطه اطاعت باشد باید به این نکته توجه داشته باشد که این رابطه بدون توجه به ایمان (با همه ویژگی‌هایش؛ مثل قلبی بودن آن، تفاوتش با اسلام و ...) میسر نخواهد بود.

۱۸. «إِنَّمَا كَانَ قَوْلَ الْمُؤْمِنِينَ إِذَا دُعُوا إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ لِيَحْكُمَ بَيْنَهُمْ أَنْ يَقُولُوا سَمِعْنَا وَأَطَعْنَا وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ» (النور: ۵۱)
«وَيَقُولُونَ آمَنَّا بِاللَّهِ وَبِالرَّسُولِ وَأَطَعْنَا ثُمَّ يَتَوَلَّى فَرِيقٌ مِنْهُمْ مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ وَمَا أُولَئِكَ بِالْمُؤْمِنِينَ» (النور: ۴۷).

۱۹. «مِنَ الَّذِينَ هَادُوا يُحَرِّفُونَ الْكَلِمَ عَنْ مَوَاضِعِهِ وَيَقُولُونَ سَمِعْنَا وَعَصَيْنَا وَاسْمِعْ غَيْرَ مُسْمِعٍ وَرَاعِنَا لَيَّا بِالْسِتِّهِمْ وَطَعْنَا فِي الدِّينِ وَلَوْ أَنَّهُمْ قَالُوا سَمِعْنَا وَأَطَعْنَا وَاسْمِعْ وَانظُرْنَا لَكَانَ خَيْرًا لَهُمْ وَأَقْوَمَ وَلَئِنْ لَعَنَهُمُ اللَّهُ بِكُفْرِهِمْ فَلَا يُؤْمِنُونَ إِلَّا قَلِيلًا» (النساء: ۴۶).

۲۰. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِيَ الْأَمْرِ مِنْكُمْ فَإِنْ تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَالرَّسُولِ إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ ذَلِكَ خَيْرٌ وَأَحْسَنُ تَأْوِيلًا» (النساء: ۵۹).

۲۱. به‌طور مثال: آیه ۷ و ۱۴ سوره مبارکه حجرات، آیه ۱۲۱ سوره مبارکه انعام، آیه ۱۰۰ سوره مبارکه آل عمران، آیه ۱ سوره مبارکه انفال.

ج) اطاعت با تبعیت، محبت و ولایت رابطه عمیقی داشته و این مفاهیم نشانگر سطوح مختلف پیروی هستند. اطاعت جلوه تام و تمام رابطه پیروی است.

در دو سیاق آیات و یک آیه، مفاهیم اطاعت و تبعیت و محبت و ولایت با همدیگر و کنار هم آمده‌اند. اولین سیاق آیات مربوط به آیات ۲۸ تا ۳۲ سوره مبارکه آل عمران ۲۲ است. در ابتدای این سیاق موضوع ولایت مؤمنین نسبت به همدیگر ذکر شده است و پس از نفی ولایت کافرین و طاغوت در آیه ۳۰ به رابطه محبتی بین خدا و مؤمنین اشاره کرده است که این رابطه در اصل موجب ایجاد رابطه تبعیت بین مؤمنین و خداوند می‌شود. در انتهای این سیاق؛ یعنی آیه ۳۲ هم به مسئله اطاعت از خدا و رسول پرداخته است.

دومین سیاق مربوط به سوره مبارکه انعام از آیات ۱۱۴ تا ۱۲۷ است. در این سیاق واژه‌های ولایت و تبعیت و اطاعت ترتیب خاصی ندارند؛ ولی موضوع آن چیش نظام پیروی توسط خداوند است، ولی اینکه این واژه‌ها در یک سیاق آمده‌اند می‌تواند رابطه آن‌ها را نشان دهد. یک آیه دیگر که در آن واژه ولایت و اطاعت آمده‌اند، آیه ۷۱ سوره مبارکه توبه ۲۳ است. در این آیه هم ابتدا مسئله ولایت مؤمنین نسبت به همدیگر ذکر شده و سپس به امر به معروف و نهی از منکر و اقامه نماز و پرداخت زکات اشاره شده و در نهایت اطاعت از خدا و رسول مطرح شده است. از آیه ۹۰ سوره مبارکه طه ۲۴ هم این نکته فهم می‌شود که اطاعت و تبعیت در عین قرابت معنایی، دو مفهوم جدا از همدیگر هستند. اطاعت و ولایت هم در عین قرابت معنایی، دو مفهوم جدا از همدیگر هستند و در ۹ آیه از آیات مربوط به اطاعت (و در برابر اطاعت از خدا و رسول) ۲۵، کلمه روی برگرداندن (تولّی عنه) آمده است که منشق از کلمه ولایت است.

-
۲۲. «قُلْ أَطِيعُوا اللَّهَ وَالرَّسُولَ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَإِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْكَافِرِينَ» (آل عمران: ۳۲) در آیه قبل از این آیه آمده است که «قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ» (۳۱) و چند آیه قبل تر هم آمده است: «لَا يَتَّخِذُ الْمُؤْمِنُونَ الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ فَلَيْسَ مِنَ اللَّهِ فِي شَيْءٍ إِلَّا أَنْ تَتَّقُوا مِنْهُمْ تُقَاةً وَيَحْذَرُكُمُ اللَّهُ نَفْسَهُ وَإِلَى اللَّهِ الْمَصِيرُ» (۲۸).
۲۳. «وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَيَطِيعُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ أُولَئِكَ سَيَرْحَمُهُمُ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ» (التوبة: ۷۱).
۲۴. «وَلَقَدْ قَالَ لَهُمْ هَارُونُ مِنْ قَبْلُ يَا قَوْمِ إِنَّمَا فُتِنْتُمْ بِهِ وَإِنَّ رَبَّكُمُ الرَّحْمَنُ فَاتَّبِعُونِي وَأَطِيعُوا أَمْرِي» (طه: ۹۰).
۲۵. به‌طور مثال آیات: ۳۲ سوره مبارکه آل عمران، ۸۰ سوره مبارکه نساء، ۹۲ سوره مبارکه مائده، ۱۲۰ سوره مبارکه انفال، ۴۷ و ۵۴ سوره مبارکه نور، ۱۷ سوره مبارکه فتح و ۱۲ سوره مبارکه تغابن.

از این دو سیاق و یک آیه می‌توان نتیجه گرفت که اول اطاعت با ولایت و تبعیت و محبت رابطه بسیار نزدیکی دارند و دوم گویا همه این واژه‌ها سطوح مختلفی از پیروی را متذکر می‌شوند. در سیاق اول و آیه اشاره شده ابتدا ولایت مؤمنین نسبت به همدیگر ذکر شده است و جریان پیروی در آن به گونه‌ای نرم و شاید غیر ملموس باشد؛ ولی یک قدم ملموس‌تر از آن رابطه محبت و تبعیت است که روابط پیروی در آن مقداری عینی‌تر است و در نهایت رابطه اطاعت مطرح شده است که رابطه پیروی در آن به‌طور کامل واضح، آگاهانه و از روی ایمان است. این نوع سطح‌بندی در روابط پیروی شباهت بسیار فراوانی به گونه‌های حکمرانی شبکه‌ای و سلسله‌مراتبی و بازاری دارد. گونه‌های مختلف حکمرانی متضمن گونه خاصی از جریان پیروی هستند؛ یعنی حکمرانی شبکه‌ای حاکی از نوعی روابط پیروی نرم بوده و حکمرانی بازاری حاکی از رابطه پیروی طرفینی و حکمرانی سلسله‌مراتبی نیز، نوعی رابطه پیروی سخت و واضح را پیشنهاد می‌کنند. رابطه پیروی در جامعه نیازمند یک فراحکمرانی و ترکیب همه این گونه‌های حکمرانی است، از این جهت رابطه ولایت، رابطه محبت، رابطه تبعیت و رابطه اطاعت می‌توانند بیانگر گونه‌های خاصی از حکمرانی اسلامی باشند.

(د) اطاعت از رسول‌الله با تقوای الهی ممکن است

با توجه به آیات بررسی‌شده، در نظام پیروی خداوند در عالم، اطاعت از خدا و اطاعت از رسول تالی‌ت‌لو همدیگر هستند و در اغلب آیات^{۲۶} که اطاعت از خدا مطرح شده است بلافاصله اطاعت از رسول هم به میان آمده است (أَطِيعُوا اللَّهَ وَالرَّسُولَ). حال بر اساس آیات قرآن، ظاهراً شرط اطاعت از رسول هم تقوی الهی است. تعداد یازده آیه از آیات مربوطه به اطاعت از رسول با کلیدواژه تقوای الهی همراه است (فَأَتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا)؛ یعنی حضرت رسول قبل از دعوت به اطاعت خودش به تقوای الهی دعوت کرده است. این نشانگر رابطه و لزوم تقوای الهی برای اطاعت از رسول است.

در حکمرانی اسلامی باید به این نکته توجه داشت که اول نظام پیروی و روابط اطاعت بر اساس اطاعت از خدا و رسول چیده شود و دوم برای اطاعت از رسول‌الله نیز، تقوای الهی شرط لازم است؛ یعنی اگرچه اطاعت از

۲۶. به‌طور مثال آیات: ۱۳۲ و ۳۲ سوره مبارکه آل عمران، ۸۰ و ۶۹ و ۵۹ و ۱۳ سوره مبارکه نساء، ۹۲ و ۷ مائده.

خدا همان اطاعت از رسول است^{۲۷}؛ ولی چون رسول جنبه عینی و دنیایی دارد باید انسان‌ها تقوای الهی داشته باشند که از ایشان اطاعت کنند و بدون تقوا، این اطاعت و نظام پیروی شکل نخواهد گرفت. از این فراز آیه و نکته دوم که ذکر شد، یک اصل اساسی برای حکمرانی اسلامی مطرح می‌شود و آن هم لزوم توجه به انسان به‌عنوان یک پدیده دارای اختیار است؛ چون انسان اختیار دارد، می‌تواند اطاعت بکند و اطاعت نکند باید برای اطاعت از رسول از درون خودش تقوای الهی داشته باشد و با زور نمی‌توان او را به اطاعت کشاند. این مورد در آیات متعدد دیگری هم ذکر شده است که در ادامه به آن پرداخته خواهد شد.

ه) رسول صرفاً ابلاغ می‌کند و مأمور به مجبور کردن مردم به اطاعت نیست

یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های اطاعت در منظر قرآن، توجه به اختیار انسان است. طبق چند آیه صریح در قرآن^{۲۸}، پیامبر مأمور به مجبور کردن مردم برای اطاعت از خدا و رسولش نیست. حضرت رسول فقط مأمور بر بلاغ مبین یا همان رساندن آشکار پیام الهی است و حقی ندارد که مردم را مجبور به اطاعت کند. این امر در جبهه طاغوت برعکس بوده است و ائمه کفر با اجبار و نادیده گرفتن اختیار انسان‌ها می‌خواستند آن‌ها را به اطاعت بکشانند. ظهور تام و تمام این اجبار برای جلب اطاعت مردم، در آیه ۵۴ سوره مبارکه زحرف «فَاسْتَخَفَّ قَوْمَهُ فَاطَاعُوهُ إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمًا فَاسِقِينَ» (الزحرف: ۵۴). به وضوح دیده می‌شود. البته قرآن کریم، علت سیطره حاکمان مسیطر را هم فاسق بودن قوم دانسته است.

بنابراین یکی از معیارهای اصلی حکمرانی اسلامی، دیدن اختیار نیروها و تعیین سازوکارهای حکمرانی مبتنی بر اختیار آن‌ها است. در نگاه اول انسان گمان می‌کند که حضرت رسول صرفاً ابلاغ پیام می‌کند و دیگر کاری ندارد و مردم را رها می‌کند در حالی که این‌گونه نیست، بلکه پیامبر فقط در امر اطاعت مردم به زور و اجبار

۲۷. «مَنْ يُطِيعِ الرَّسُولَ فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ وَمَنْ تَوَلَّى فَمَا أَرْسَلْنَاكَ عَلَيْهِمْ حَفِظًا» (النساء: ۸۰).

۲۸. «وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ فَإِنْ تَوَلَّيْتُمْ فَإِنَّمَا عَلَى رَسُولِنَا الْبَلَاغُ الْمُبِينُ» (التغابن: ۱۲) و «مَنْ يُطِيعِ الرَّسُولَ فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ وَمَنْ تَوَلَّى فَمَا أَرْسَلْنَاكَ عَلَيْهِمْ حَفِظًا» (النساء: ۸۰).

«قُلْ أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَإِنَّمَا عَلَيْهِ مَا حُمِّلَ وَعَلَيْكُمْ مَا حُمِّلْتُمْ وَإِنْ تُطِيعُوهُ تَهْتَدُوا وَمَا عَلَى الرَّسُولِ إِلَّا الْبَلَاغُ الْمُبِينُ» (النور: ۵۴)
«وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَاحْذَرُوا فَإِنْ تَوَلَّيْتُمْ فَأَعْلَمُوا أَنَّمَا عَلَى رَسُولِنَا الْبَلَاغُ الْمُبِينُ» (المائدة: ۹۲).

متوسل نمی‌شود؛ ولی در سایر ابعاد دعوت و تبلیغ و هدایت مردم تا سرمنزل جان سپردن هم می‌رود ۲۹. پس یکی از مهم‌ترین تفاوت‌های حکمرانی جبهه حق با حکمرانی جبهه باطل دیده شدن و دیده نشدن اختیار انسان‌هاست.

(و) انسان به‌طور دائم در حال اطاعت از چیزی است

گویا انسان طوری ساخته شده است که به‌طور دائم در حال اطاعت از یک مسیر و مسلک است، حال ممکن است مسیر حق یا مسیر باطل باشد. بر اساس آیه ۶۷ و ۶۶ سوره مبارکه احزاب این نکته فهم می‌شود که جهنمیان هنگام ورود در آتش و زمانی که همه پرده‌ها کنار رفته است، می‌گویند که ای کاش در دنیا از خدا و رسولش اطاعت می‌کردیم و بلافاصله بعد از آن می‌گویند که «پروردگارا ما بزرگان قوم خود را اطاعت کردیم و ما را گمراه ساختند» ۳۰. معلوم می‌شود که انسان‌ها ناگزیر از اطاعت هستند و اگر از خدا و رسولش اطاعت نکرده باشند از کسان دیگری اطاعت کرده‌اند.

فهم این نکته که انسان به‌طور دائم در حال اطاعت است، درس‌های فراوانی برای چگونگی حکمرانی به ارمغان می‌آورد. برای تعیین سازوکارهای حکمرانی باید توجه داشت که هر سازوکاری، چه روابطی را ایجاد می‌کند و موجبات اطاعت از چه مسیر یا چه کسانی را میسر کرده و اطاعت از چه کسانی را مصعب می‌کند؟ حال اینکه نظام اطاعت در دستگاه حق و دستگاه باطل چه عناصری دارد، در نکته بعدی اشاره می‌شود.

ی) به‌کارگیری عناصر موجود در نظام پیروی خدا در ترکیب‌های حکمرانی مهم هستند

نظام پیروی و اطاعتی که خداوند در قرآن ترسیم کرده است دارای اجزای و عناصر مختلفی است. یکی از اجزای در این نظام و روابط پیروی، متعلق‌های اطاعت است. مشخص کردن اینکه از چه کسی اطاعت بشود و از چه کسی اطاعت نشود به میزان زیادی بر روی چینه‌ش نظام اطاعت اثر می‌گذارد. کسانی که خداوند دعوت به

۲۹. آیه ۳ سوره مبارکه شعراء: «لَعَلَّكَ بِأَعْيُنِنَا نَفْسَكَ آلَا يَكُونُوا مُؤْمِنِينَ».

۳۰. «يَوْمَ نُقَلِّبُ وُجُوهَهُمْ فِي النَّارِ يَقُولُونَ يَا لَيْتَنَا أَطَعْنَا اللَّهَ وَأَطَعْنَا الرَّسُولَ» (الأحزاب: ۶۶) «وَقَالُوا رَبَّنَا إِنَّا أَطَعْنَا سَادَتَنَا وَكُبَرَاءَنَا فَأَضَلُّونَا السَّبِيلَا» (۶۷) «رَبَّنَا آتِهِمْ ضِعْفَيْنِ مِنَ الْعَذَابِ وَالْعَنَهُمْ لَعْنًا كَبِيرَا» (۶۸).

اطاعت از آن‌ها کرده است عبارت‌اند از: خدا، رسول و مؤمنین ۳۱. البته این اطاعت از رسول و مؤمنین باید در مسیر اطاعت از خداوند باشد و گرنه خداوند امر بر عدم اطاعت کرده‌اند که نمونه آن در قرآن درباره والدین ۳۲ مطرح شده است. از طرف دیگر کسانی که خداوند دعوت به عدم اطاعت آن‌ها کرده است عبارت‌اند از: شیطان، هوای نفس ۳۳، کافرین ۳۴، منافقین ۳۵، بزرگان گمراه قوم ۳۶، طاغوت ۳۷، گروهی از اهل کتاب ۳۸، انسان‌های غافل از یاد خدا ۳۹، کار اسراف‌کنندگان ۴۰، دروغ‌گویان ۴۱، قسم‌خوردگان به دروغ، کسانی که دائم عیب‌جویی

۳۱. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِيَ الْأَمْرِ مِنْكُمْ فَإِنْ تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَالرَّسُولِ إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ ذَلِكَ خَيْرٌ وَأَحْسَنُ تَأْوِيلًا» (النساء: ۵۹).

۳۲. «وَوَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ حُسْنًا وَإِنْ جَاهَدَاكَ لِتُشْرِكَ بِي مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ فَلَا تُطِعْهُمَا إِلَىٰ مَرْجِعِكُمْ فَأُنَبِّئُكُم بِمَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ» (العنكبوت: ۸).

۳۳. «وَلَا تَاْكُلُوا مِمَّا لَمْ يُذْكَرِ اسْمُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَإِنَّهُ لَفِسْقٌ وَإِنَّ الشَّيَاطِينَ لَيُوحُونَ إِلَىٰ أَوْلِيَائِهِمْ لِيُجَادِلُوكُمْ وَإِنْ أَطَعْتُمُوهُمْ إِنَّكُمْ لَمُشْرِكُونَ» (الأنعام: ۱۲۱).

۳۴. «فَلَا تُطِعِ الْكَافِرِينَ وَجَاهِدْهُمْ بِهِ جِهَادًا كَبِيرًا» (الفرقان: ۵۲).

۳۵. «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ اتَّقِ اللَّهَ وَلَا تُطِعِ الْكَافِرِينَ وَالْمُنَافِقِينَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا حَكِيمًا» (الأحزاب: ۱).

۳۶. «وَقَالُوا رَبَّنَا إِنَّا أَطَعْنَا سَادَتَنَا وَكُبَرَاءَنَا فَأَضَلُّونَا السَّبِيلًا» (الأحزاب: ۶۷).

۳۷. «فَاسْتَخَفَّ قَوْمَهُ فَأَطَاعُوهُ إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمًا فَاسِقِينَ» (الزخرف: ۵۴).

۳۸. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنْ تُطِيعُوا فَرِيقًا مِّنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ يَرُدُّوكُم بَعْدَ إِيمَانِكُمْ كَافِرِينَ» (آل عمران: ۱۰۰).

۳۹. «وَاصْبِرْ نَفْسَكَ مَعَ الَّذِينَ يَدْعُونَ رَبَّهُمْ بِالْغَدَاةِ وَالْعَشِيِّ يُرِيدُونَ وَجْهَهُ وَلَا تَعْدُ عَيْنَاكَ عَنْهُمْ تُرِيدُ زِينَةَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَلَا تُطِعْ مَنْ أَغْفَلْنَا قَلْبَهُ عَن ذِكْرِنَا وَاتَّبَعَ هَوَاهُ وَكَانَ أَمْرُهُ فُرُطًا» (الكهف: ۲۸).

می‌کنند، بازدارندگان از کار خیر، ظالم و گناهکار و درشت‌خوی و بدنام^{۴۲}. اطاعت از خدا و رسولش مایه جلب رحمت الهی^{۴۳}، رستگاری^{۴۴}، هدایت یافتن^{۴۵}، همراهی با پیامبران و شهدا و صالحین و صدیقین^{۴۶}، غفران الهی^{۴۷}، دخول در بهشت^{۴۸}، مایه قوام و پایداری^{۴۹} شده و اطاعت از غیر خدا و رسول موجب کفر^{۵۰}، شرک^{۵۱}، گمراهی^{۵۲} و دخول در جهنم و رجعت به دوران جاهلیت^{۵۳} خواهد شد. اگرچه عدم اطاعت از کافران و منافقین، اذیت‌هایی را متحمل جبهه حق می‌کند^{۵۴}؛ ولی جهاد جبهه حق با کافران نیز، به‌وسیله همین عدم اطاعت از آن‌ها خواهد بود^{۵۵}.

این فصل از آیات که به تعیین موارد و نتایج اطاعت یا عدم اطاعت از افراد خاص پرداخته است، در ادبیات دینی جایگاه و فراوانی زیادی دارد. از این فراوانی می‌توان برداشت کرد که یکی از عناصر بسیار مهم در روابط پیروی، شخص حاکم و عاقبت پیروی از وی است. اینکه چه کسی صاحب اقتدار بشود، در چگونگی اعمال اقتدار و حکمرانی هم اثرگذار خواهد بود؛ به‌طور مثال اگر رابطه اطاعت با کافران برقرار باشد قطعاً

۴۰. «وَلَا تُطِيعُوا أَمْرَ الْمُشْرِكِينَ» (الشعراء: ۱۵۱).

۴۱. «فَلَا تُطِيعِ الْمُكَذِّبِينَ» (القلم: ۸).

۴۲. آیات ۱۰ تا ۱۵ سوره مبارکه قلم: «وَلَا تُطِيعْ كُلَّ حَلَّافٍ مَّهِينٍ (۱۰) هَمَّازٍ مَّشَاءٍ بَنِيمٍ (۱۱) مَنَّاغٍ لِّلْخَيْرِ مُعْتَدٍ أَثِيمٍ (۱۲) عَتَلٌ لِّكَ زَنِيمٍ (۱۳) أَنْ كَانَ ذَا مَالٍ وَبَنِينَ (۱۴) إِذَا تُتْلَىٰ عَلَيْهِ آيَاتُنَا قَالَ أَسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ (۱۵)»

۴۳. «وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَالرَّسُولَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ» (آل عمران: ۱۳۲).

۴۴. «وَمَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَقَدْ فَازَ فَوْزًا عَظِيمًا» (الأحزاب: ۷۱).

۴۵. «وَأِنْ تُطِيعُوهُ تَهْتَدُوا وَمَا عَلَى الرَّسُولِ إِلَّا الْبَلَاغُ الْمُبِينُ» (النور: ۵۴).

۴۶. «وَمَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَالرَّسُولَ فَأُولَٰئِكَ مَعَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ وَالصِّدِّيقِينَ وَالشُّهَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ وَحَسُنَ أُولَٰئِكَ رَفِيقًا» (النساء: ۶۹).

۴۷. «وَقَالُوا سَمِعْنَا وَأَطَعْنَا غُفْرَانَكَ رَبَّنَا وَإِلَيْكَ الْمَصِيرُ» (البقرة: ۲۸۵).

۴۸. «وَمَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ يُدْخِلْهُ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَذَٰلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ» (النساء: ۱۳).

۴۹. «وَلَوْ أَنَّهُمْ قَالُوا سَمِعْنَا وَأَطَعْنَا وَأَسْمَعُ وَأَنْظُرْنَا لَكَانَ خَيْرًا لَّهُمْ وَأَقْوَمُ وَلَٰكِنْ لَعَنَهُمُ اللَّهُ بِكُفْرِهِمْ فَلَا يُؤْمِنُونَ إِلَّا قَلِيلًا» (النساء: ۴۶).

۵۰. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنِ طَاعِيَةُ فَرِيقًا مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ يَرُدُّوكُمْ بَعْدَ إِيمَانِكُمْ كَافِرِينَ» (آل عمران: ۱۰۰).

۵۱. «وَإِنَّ الشَّيَاطِينَ لَيُوحُونَ إِلَىٰ أَوْلِيَائِهِمْ لِيُجَادِلُوكُمْ وَإِنْ أَطَعْتُمُوهُمْ إِنَّكُمْ لَمُشْرِكُونَ» (الأنعام: ۱۲۱).

۵۲. «وَقَالُوا رَبَّنَا إِنَّا أَطَعْنَا سَادَتَنَا وَكِبَرَاءَنَا فَأَضَلُّونَا السَّبِيلًا» (احزاب: ۶۷).

۵۳. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنِ طَاعِيَةُ الَّذِينَ كَفَرُوا يَرُدُّوكُمْ عَلَىٰ أَعْقَابِكُمْ فَتَنْقَلِبُوا خَاسِرِينَ» (آل عمران: ۱۴۹).

۵۴. «وَلَا تُطِيعِ الْكَافِرِينَ وَالْمُنَافِقِينَ وَدَعْ أَذَاهُمْ وَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ وَكَفَىٰ بِاللَّهِ وَكِيلًا» (الأحزاب: ۴۸).

۵۵. «فَلَا تُطِيعِ الْكَافِرِينَ وَجَاهِدْهُمْ بِهِ جِهَادًا كَبِيرًا» (الفرقان: ۵۲).

سازوکارهای تعیین شده برای اطاعت از خدا و رسول تحقق نخواهد یافت و در مقابل سازوکارها برای اطاعت از شیطان و هوای نفس خواهد بود.

نتیجه گیری

یکی از مختصات قرآن کریم، غنای تمام نشدنی آن است و در پژوهش قرآنی حاضر به وضوح روشن شد. هیچ جمعی از انسان ها نمی توان یافت که در آن ها رابطه پیروی جریان نداشته باشد. هر حکومتی ناگزیر از اندیشه و عمل در آن زمینه است. به همین دلیل شاهد رشد ادبیات روزافزون حکمرانی در دنیا هستیم؛ ولی آیا اسلام هم الگویی برای این روابط پیروی یا حکمرانی دارد؟ پاسخ این پژوهش به این سؤال مثبت است. در این پژوهش از میان کلیدهای مختلف و مرتبط با موضوع حکمرانی مثل «تبعیت» و «ولایت»، واژه «اطاعت» برگزیده شده و با تحقیق موضوعی آن درصدد واکاوی مفهوم حکمرانی اسلامی شدیم.

معارف قرآن کریم در پرتو کلمه «اطاعت»، آموزه های فراوانی در باب چیستی، چرایی و چگونگی حکمرانی دارد. این پژوهش بر اساس سؤالات هفت گانه که در بالا مطرح شد، آغاز شد و در نهایت با بررسی موضوعی اطاعت در قرآن، پاسخ های آن ها مشخص شدند. پاسخ به سؤالات فوق با تدبرهای زیر آیات تلفیق شده و در نکات تدبری هفت گانه فوق بازتاب شدند. الگوی حکمرانی اسلامی با آگاهی افراد گره خورده است و نمی توان انسان ها را بدون آگاهی، در جهتی سوق داد. البته اگرچه ممکن است در جریان محبت و تبعیت یا ولایت مؤمنین است یک جهت دهی های ناخودآگاه شکل بگیرد؛ ولی ناخودآگاهی محض نیست، بلکه انسان به آگاهی خودش جریان ولایت الهی را می پذیرد و باب اثرات ناخودآگاه را به صورت خودآگاه بر روی خودش باز می - کند.

در الگوی حکمرانی اسلامی، اختیار انسان بسیار مهم است. نمی توان به شکل اجباری و اکراه فرد را در مسیر خاصی جهت دهی کرد. این بعد از ویژگی حکمرانی اسلامی، دلالت های بسیار عمیقی در تعیین سازوکارها و چگونگی حکمرانی دارد. فهم این نکته که اطاعت انسان مبتنی بر تقوای فردی او است؛ یعنی انسان را نمی توان با عوامل محیطی و بیرونی در جهت خاصی برانگیخت و نیاز است که محیطی برای جوشش درونی فرد ایجاد بشود. حکمرانی اسلامی به علت توجه به اختیار فرد، سعی در ساختن محیط زندگی فرد دارد تا از این طریق او

را در جریان پیروی اسلامی قرار دهد. در عین اینکه انسان اختیار دارد، باید به این نکته توجه نمود که این انسان در عین اختیار به ضرورت و در صورت لزوم از کسی یا چیزی پیروی می‌کند. انسان اجتماعی بدون رابطه پیروی قابل فهم و درک نیست. او باید با اختیاری که دارد از بین مطاع‌های مختلف، یکی را انتخاب کند. خداوند متعال ویژگی‌های مطیع و مطاع را نیز، در قرآن آورده است تا نظام اطاعت الهی و حکمرانی اسلامی را شکل بدهد.

منابع

قرآن کریم

لسانی فشارکی، محمدحسین؛ مرادی زنجان، حسین (۱۳۹۱)، روش تحقیق موضوعی در قرآن کریم، قم، بوستان کتاب.

بیانات مقام معظم رهبری (۱۳۸۰)، در دیدار با کارگزاران نظام، سایت <http://farsi.khamenei.ir>

حسینی تاش، سید علی؛ واثق، قادرعلی (۱۳۹۳)، حکمرانی خوب و ارائه حکمرانی شایسته بررسی و شاخص‌های این دو از دیدگاه امیرالمؤمنین علی (علیه‌السلام) اسلام و پژوهش‌های مدیریتی ۸ (۳)، ۷-۲۸.

حیدری، فریبا (۱۳۹۵)، قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در چشم‌انداز حکمرانی خوب، صیانت از حقوق زنان ۵ (۲)، ۱۴۵-۱۶۲.

سالار زهی، حبیب‌الله؛ ابراهیم‌پور، حبیب (۱۳۹۱): بررسی سیر تحول در پارادایم‌های مدیریت دولتی، از پارادایم مدیریت دولتی سنتی تا پارادایم حکمرانی خوب، مدیریت دولتی (دانشگاه تهران) ۹ (۴)، ۴۳-۶۲.

سلیمی، جلیل؛ مکنون، رضا. (۱۳۹۷)، فراتحلیل کیفی پژوهش‌های علمی ناظر بر مسئله حکمرانی در ایران، مدیریت دولتی، ۱۰ (۱)، ۱-۱۹۴۵۳۰.۲۰۱۸.۲۲۸۷۵۷.۱۹۴۵۳۰-۱. doi: ۱۰.۲۲۰۵۹/jipa.

شاه‌آبادی، ابوالفضل؛ جامه بزرگی، آمنه (۱۳۹۲)، نظریه حکمرانی خوب از دیدگاه نهج‌البلاغه، پژوهشنامه نهج‌البلاغه ۲ (۱)، ۱-۱۸.

علی‌پور، محمد؛ فریده، رحیمی؛ عماد، سید رضا (۱۳۹۲)؛ علل شکل‌گیری انقلاب اسلامی ایران و نظریه حکمرانی خوب مطالعه موردی حکومت پهلوی دوم در سال‌های (۱۳۳۲) تا (۱۳۵۷). پژوهشنامه متین ۵۹ (۱۵)، ۱۵۹-۱۸۴

ناظمی اردکانی، محمد (۱۳۹۱)، حکمرانی خوب با رویکرد اسلامی، راهبرد توسعه ۳۱ (۰) ۶۴-۸

یوسفی شیخ رباط، محمدرضا؛ بابایی، فهیمه (۱۳۹۴)، طراحی مدل حکمرانی خوب بر اساس نامه مالک اشتر و مقایسه آن با اصول حکمرانی خوب بانک جهانی، اقتصاد اسلامی ۵۷ (۱۵)، ۳۱-۶۲.

Bob, Jessop. (۲۰۰۲). Governance, governance failure and meta-governance. In H. Heinelt, Participatory governance in multi-level context : concepts and experience (pp. ۳۳-۵۸). Opladen: Leske and Budrich.

Capano, Giliberto; Howlett, Michael; Ramesh, M. (۲۰۱۵). Varieties of Governance Dynamics, Strategies, Capacities. new york: PALGRAVE MACMILLAN.

Laurence E. Lynn, Jr. (۲۰۱۰). Governance. Foundations of Public Administration.

Meuleman, Louis. (۲۰۰۸). Public Management and the Metagovernance of Hierarchies, Networks and Markets. The Netherlands: Physica-Verlag Heidelberg.

Mouzelis, N. P. (۲۰۰۸) Organization and bureaucracy: an analysis of modern theories. London: Routledge.

Henry, Nicholas. (۲۰۰۷) Public Administration and Public Affairs, Prentice Hall. Chapter ۲, pp: ۲۶-۴۹

Milgram, S. (۲۰۱۰). Obedience to authority. Pinter & Martin.

Gläser Jochen (2012) From Governance to Authority Relations? In Whitley, R., Gläser Jochen, & Engwall, L. (2010). Reconfiguring knowledge production: changing authority relationships in the sciences and their consequences for intellectual innovation. Oxford: Oxford University

Pierre, Jon, and B. Guy Peters (2000) Governance, Politics, and the State. New York: St. Martin's Press.

Tony Waters, Dagmar Waters (2015) Weber's rationalism and modern society: new translations on politics, bureaucracy, and social stratification, Palgrave Macmillan

Krahmann, Elke (2003). "National, Regional, and Global Governance: One Phenomenon or Many? Global Governance 9:323-346.